



در محفل شاعران لاهور

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

به دعوت سرکار خانم کشورناهد و با مساعدت ایشان همراه با سایر دوستان شاعر لاهوری و آقای محمدرضا علیخانی - از خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران - به محفل شاعران در Pak Tea House چهاربخانه پاکستان رفتیم. دود غلیظ سیگار مجلس را بر کرده بود و چهار لامپ فلورسنت نمرتوانست از تاریکی محیط بکاهد. خلیها را مرشد دهن از پیرزها و جوانها به عشق خواندن اشعار جدید و مورد لطف قرار گرفتن و پیران برای انتقال لاجاریشان آمده بودند. از ایرانی جماعت به گرمی و با روس گشاده استقبال می‌کنند. به میزی دعوت ششم که بزرگترها از مدتی قبل به رسم ادب و ممانعت از در کنار آن ایستاده بودند. خانم کشورناهد به انتظار ما و افراد حاشیه پایان می‌دهد و معارف را آغاز می‌کند:

- دکتر سهیل احمد استاد دانشکده عارضات انتقادی، مقرر علی سید و نویسنده مقالات مترجم، دکتر انور سجاده داستان‌نویس، چهارید شاهین شاعر، دکتر انیس ناگه مترجم فرانسه، افسانه نویس روزنامه‌نگار و شاعر و سرانجام سلمان صدیقه که چواترین عضو این گروه است فرق لیسنس ادبیات اردو می‌خواند و دبیر انجمن ادبی ارباب ذوق است.

می‌نشینم. بسیار صمیمی رفتار می‌کنند. آن قدر که ما احساس غربت نکنیم. نجاتهای شیر و چای روی میز چیده می‌شود و ما سعی می‌کنیم در این فاصله، با شناسایی که از میزبانها پیدا کرده‌ایم به تناسب تخصص آنها، به پرسشهایمان نظس بدهیم و از اینجا به بعد را مصاحبه‌های باشیم. با دکتر سهیل احمد که نزدیکتر نشسته سر صحبت را بازمی‌کنیم.

● وضعیت نقد شعر در پاکستان چگونه است؟
می‌گوید:

● پیش از تشکیل پاکستان قدهما از خراج آجتماعی بردا ولی امروزه قدهما معمولاً در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی است. منتقدان شعرس دایم مثل ممتاز حسین و سلیمت حسین، محمدحسن عسکری که پیش از پیروزی انقلاب ایران، در سال ۱۹۶۰ روی کتابهای (سلام شناسی دکتر شریحتی و غریب‌دگی جلال آل احمد کار کرده بود، مقرر علی سید در صفت اول منتقدان است. چیزی که الآن برینیم این است که قدهای سیاسی بیشتر موردپند منتقدان است و نقدهای ادبی در درجات پایین‌تری قرار دارد و شعر اصلاً نقد نمی‌شود یعنی کمتر اتفاق می‌افتد که کسی شعر را نقد کند شاید یک فلیش این باشد که مردم به افسانه بیشتر توجه دارند.

● این به چه دلیل است داستان‌نویس در پاکستان می‌گردد.
● افسانه‌نویس نه داستان‌نویس.

□

از مقرر علی سید که روزنامه‌نگار است و مترجم و فارسی هم می‌داند می‌رویم:
● شیطایم چند داستان از جلال آل

احمد را به اردو ترجمه کرده‌ایم، چرا جلال؟
می‌گوید:

□ در صد سال اخیر در ایران، آل احمد نویسنده بی‌نظیری بوده است. چون متعهد بود و تعهد کار اساسی و اصلی یک نویسنده است. هر که می‌تواند از قید و بند محصورات آزاد می‌شود و دوباره گرفتار تعهدهای بزرگتر و ریشه‌وارتری می‌شود مثل شما که انقلاب کرده‌اید، آزاد شده‌اید ولی دوباره گرفتار شده‌اید گرفتار الکر شدن برای شروع بشر. وقتی نویسنده آزاد باشد این آزادی او را با عمار به نوشتن می‌کند. شما الآن ادبیات پرسیس دارید چون آزادید و متعهد.

● چرا یک نظم متقدان پاکستان، به شعر و ادبیات توجه نداشت؟

□ زنده‌یاد سهراب سهری می‌گوید:
«آب را گل کنیم» ...
● و می‌گوید:

«روزی خواهم آمد و پیاسی خواهم آورد
در رنگها نور خواهم ریخت
و صدا خواهم در داد: ای میله‌تازان
پر خواب
صیب آوردم، صیب سخ خورشید»

دکتر انور سجاده چند جمله‌ای آن طرفتر نوشته است و با علت به این گفتگوها گوش می‌کند. از او می‌خواهیم به عنوان یک افسانه‌نویس درباره علت گرایش به افسانه‌نویسی در پاکستان صحبت کند.

او این گونه شروع می‌کند:

□ گرایش به افسانه‌نویسی دو علت دارد یکی اینکه در افسانه معلومات عموماً وجود دارد و دوم اینکه در افسانه‌ها مسائل مطرح می‌شود که وابسته و مربوط به زندگی مردم است و مردم دوست دارند آنها را بخوانند.

● شما عوتقدان چه مسائلی را مطرح می‌کنید؟

□ من آگاهی‌های اجتماعی را مطرح می‌کنم و سعی می‌کنم از جنبه‌های مختلف به صورت واقعی استفاده کنم

خانم کشور ناهید اضافه می‌کند:

دکتر سجاد پزشک است و چون با درد و مسائل بیماران سروکار دارد، اینها را وارد افسانه‌هایش می‌کند.

● به نظر شما بین قلب فیزیکی و قلب

اجتماعی چه تفاوتی وجود دارد؟
● به نظر من هیچ تفاوتی وجود ندارد.

شدم جان داد و من از دهنن وضعیت او به گریه افتادم! پرستارها همه به نظر من هیچ تفاوتی بین این دو وجود ندارد.

مصاحب بعدی ما جابرید شاهین است. ظاهراً همه چهره شعری می‌گوید غزل، منظومه و حسن شعر سپیده، ابتدا درباره شعر آزاد در پاکستان حرف می‌زند.

■ در واقع نظم آزاد از اروپا به اینجا آمده است. حال آنکه بسیاری دارد و هر احساسی که در درون هست با این شعر قابل ابراز است. به همین دلیل خوب است؛ زیرا برخی احساسات در قالب فایده و وزن نمی‌آید. به علت همین باز نودن، جایگاه خوبی در پاکستان دارد و اکثر شاعران به صورت آزاد می‌نویسند.

● پس او تا به حدیلهٔ موضوع و مضمون می‌گذرید؟

■ کاملاً درست است. اول فقط احساساتم را می‌بینم بعد فکر می‌کنم با چه زبانی می‌توانم احساساتم را بیان کنم. با همین شیوه پنج کتاب شعر نوشتم و اخیراً به صورت کلیات چاپ کردم.

● تخیل چه نقشی در اشعارتان دارد؟

■ اساس شعر من تخیل است با تخیل است که شعر شکل اصلی خود را پیدا می‌کند. اگر حقیقتی با تخیل توأم شود بهتر و زیباتر می‌توان آن را اظهار کرد.

● با کدام یک از شاعران معاصر جهان احساسی نزدیکی می‌کنید و چرا؟

■ شاعران آمریکای لاتین مثل نرودا و پازا، چون مسائل اجتماعی سیاسی و اقتصادی را با اشعارشان بیان می‌کنند و من این را اولین وظیفهٔ یک شاعر می‌دانم که بتواند مسائل جامعهٔ خود را بیان کند.

● به نظر شما ادبیات آمریکای لاتین، چه‌گونه خود را در ادبیات جهان پیدا کرده است؟

■ من این طور تصور می‌کنم. از دکتر ایس ناگر دربارهٔ ادبیات پاکستان و جایگاهی که در ادبیات جهان دارد می‌پرسیم، با لیکن پاسخ می‌دهد:

■ هیچ مقامی ندارد!

● چرا پاکستان که شاعران و نویسندگان زیادی دارد؟

■ اولین مسأله، مشکل زبان است. اگر



دکتر سجاد می‌گوید:

من کسی هستم که مثل خانمها گریه می‌کنم. مثل اشکها...

■ بله. اولین مرضی که با او مواجه

مثلاً از جنون که یک بیماری است استفاده کرده‌ام و مسائل اجتماعی را در آن گنجانیده‌ام.

بناست ادبیات ما به خارج راه پیدا کند باید ادبیاتی باشد که با زبان خارج ارتباط داشته باشد.

❶ در پاکستان که زبان انگلیسی ...

❷ انگلیسی هست، ولی عقب افتاده و محاوره‌ای است؛ نه ادبی. البته هستند کسانی که به انگلیسی می‌نویسند؛ ولی نوشته‌هایشان چنگی به دل نمی‌زند.

❸ و چنگی ...؟

❹ دیگر اینکه ادبیات اروپا ادبیات تجاری است و تیول تجار و ادبا و شعرای تجارت پیشه است؛ مثلاً کتابهای چاپ می‌شود به بهای ۶۰۰ - ۵۰۰ دلار که سطحشان از کتابهای ادبی ما پایین‌تر است؛ اما چون کتابهایشان با امکانات وسیع سرمایه‌داران منتشر می‌شود، برای ادبیات ما بجای پالی نمی‌ماند.

❺ پس یک شاعر با یک ادیب پاکستانی یا مشکلی نظر کلیش دو به دوست؟

❻ تنها پرل مسأله نیست، ما به شرکت‌های انتشاراتی بزرگی نیاز داریم که آثارمان را به دنیا عرضه کند.

❼ به این ترتیب مترجم و پرل مشکلات خاص شما نیستند؟

❽ نه، مسأله خاص نیستند.

❾ گمان نمی‌کنم که مسأله خنای فرهنگی است.

چاره‌ی شایسته: اضافه می‌کند

❿ زبان اردو تقریباً سصد سال پیش به وجود آمده. حال آنکه زبان فارسی و بیشتر زبانهای خارجی و اروپایی به بیش از یک‌هزار سال پیش برمی‌گردند به همین دلیل شناسایی که در این زبانها هست در اردو نیست.

دکتر ناگزی می‌گوید

مسأله دیگری مشکل دولت است. در سطح دولتی، تشکیلات سازماندهی شده‌ی در زمینه ترجمه و چاپ کتابهایمان نداریم.

⓫ عضو کمی دلت نیستند؟

⓬ غیره مثل هند و ایران.

مردم سراج جوانها و جوانها از عیاش تایش که غزل‌سرای جوانی است، در مورد اشعار جوانان پاکستان می‌پرسم، فقط یک جمله می‌گوید:

❶ خیلی کارها انجام شده و پیشرفت‌های زیادی هم صورت گرفته؛ ولی شاعر زیردستی نیست که بتواند با شاعران قدیمی برابری کند.

❷ حرف‌های ساعت به شتاب به پیش می‌روند. همراهانمان یادآوری می‌کنند که می‌رنامه بازدید از



شهر را فراموش نکنید، اما چه‌رچه مشتاق سلمان حدیق که منتظر است چیزی هم از او بپرسم، ما را به امامه گفتگو وامی‌دارد. سلمان شاعری جوان است، از او می‌پرسم:

❶ در چه سبکی شعر می‌گویید؟

❷ نظم آزاد.

❸ چرا؟

❹ چون تمام احساسات را می‌شود بیان کرد؛ هر چه که بخواهم.

❺ چند وقت است شعر می‌گویید؟

❻ از وقتی پادم می‌آید می‌نویسم؛ ولی به طور دقیق چهار یا پنج سال است. کتابی هم به نام حذف از عشق دارم.

❼ برای شما عشق چه معنوی دارد؟

❽ سوال مشکلی است، در کتاب شعرم

سعی کردم بین عشق و دوست داشتن فرق قائل شوم:

عشق نه آن است

که چشماهای بسته
در حصار جبر چمانند
فکر،

فکر،

فکر.

این گزیده نمی‌خواهم
و نباید باشد.

❶ واده عابدی که شورتان با شعر شاعران بزرگ علیه خود؟

❷ شاعر جوانان شاعر ما زیاد است؛ ولی چون اطلاع دقیقی از اشعار کمین ندارند بیشتر آثارشان با غلط همراه است. من سعی کردم در عالم شعر ریاضی به خود بدهم و اطلاعات مختصری از شعر و فن شاعری به دست بیاورم. سعی کردم از خودم بگویم و تقلید نکنم. به سبکی شعر می‌گویم که جایگاه خودش را دارد، شعر نرسی بیان است و از مقایسه نرسی ندارم.

❸ برای این ریاضت، فقط اشعار کمین پاکستان را مطالعه کرده‌اید؟

❹ اشعار خارجی را تا آنجا که بتوانم می‌خوانم. با انگلیسی آشنایی دارم و در حال حاضر فرانسه یاد می‌گیرم و سعی می‌کنم از شام چیزهای موجود استفاده کنم.

❺ چه پیشی برای شاعران جوان ایرانی دارید؟

❻ من در ابتدای راهم و نمی‌توانم پيامی داشته باشم، ما به دلیل روابط عمیق فرهنگی گذشته، باید با هم رابطه داشته باشیم و در سال حاضر این رابطه وجود ندارد. ما باید رلت و آمد داشته باشیم و با هم و با آثار هم آشنا شویم.

❼

❼ دشمنان، ولی خنده، حماقت و ترک می‌کنم. با خود می‌گویم: می‌روم و بیعتان را به پاران آشنا می‌رسانم. هر چه باشد

❽ چه وادیه دهن به از نشستن باطل ...